روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه | ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۶ ذی‌القعده ۱۴۴۶ | ۴ مه ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۰۷ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

| ۱۱۹۰ سال و ۲۴۴ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4307 | SUN.MAY.04, 2025 | ISSN:2008-2886

اذعان مرشایمر به توانایی موشک‌های ایرانی

ایران قوی است احمق نباشید

صفحه ۲

درباره فیلم جدیدی که با مجوز وزارت ارشاد در فستیوال کن حضور یافت

بازگشت سینمای سفارتخانه‌ای؟

صفحه ۸

گاف مارکو روبیو، پاسخ عراقچی و تدابیری که ایران در مذاکره با تیم تازه‌کار آمریکا باید در نظر بگیرد

ناشی‌ها

صفحه ۵

عکس: Gettyimages

تیترهای امروز

بررسی هرج و مرج فراگیر پس از سقوط حکومت بشار اسد

سوریه چندپاره

■ غافلگیری سوریه برای نقشه‌کش‌ها

صفحات ۱و۷

«وطن امروز» گزارش می‌دهد نگاهی به نقش معلمان در تربیت نسل‌ها و توقعاتی که رهبر انقلاب از آنها دارند

تکلیف نسل‌سازی

صفحه ۴

ویژه

«وطن امروز» بررسی می‌کند آمار مؤسسه صلح بین‌المللی استکهلم درباره هزینه‌های نظامی کشورها

بله! دنیا دنیای موشک‌هاست!

■ ایالات متحده، چین، روسیه، آلمان و هند با مجموع هزینه‌ای بالغ بر ۱۶۳۵ میلیارد دلار، حدود ۶۰ درصد کل هزینه نظامی جهان را به خود اختصاص داده‌اند

صفحه ۵

نگاهی به همه بدعهدی‌های آمریکا در مذاکرات

نگاه

رضا رحمتی

روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت از جانب طرف عمانی اعلام شد مذاکرات ایران-آمریکا به تعویق افتاده است. بلافاصله طرف عمانی (وزیر خارجه عمان) در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: «به دلایل لجستیکی، نشست برنامه‌ریزی‌شده میان ایالات متحده و ایران که قرار بود شنبه در رم برگزار شود، به تعویق افتاد». وی همچنین اضافه کرد: «تاریخ جدید این مذاکرات پس از توافق متقابل اعلام خواهد شد». این یادداشت به بهانه این اتفاق به برخی از عناصری که می‌تواند مذاکرات ۲ طرف را دچار اختلال کند، خواهد پرداخت. نگاهی به تاریخ مذاکرات ایران و آمریکا که از همان سال‌های ابتدایی انقلاب تاکنون وجود داشته است، نشان‌دهنده این است که ۲ طرف نسبت به یکدیگر با حساسیت‌هایی مواجه شده‌اند. مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایران و آمریکا، بعد از انقلاب از موافقتنامه الجزایر در سال ۱۹۸۱ شروع شد و آخرین آن نیز دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا با حضور سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا بود. این یادداشت تلاش خواهد کرد موفقیت‌هایی را که ۲ طرف در مذاکرات به دست آورده‌اند از یک سو و ناکامی‌های هر یک از ۲ طرف را به اقتضای هر یک از ادوار مذاکرات مورد بررسی قرار دهد. آنچه از مجموع مسائل مربوط به مذاکرات ایران - آمریکا در تاریخ بعد از انقلاب مشهود است که اتفاقا مذاکرات زیادی را بین ۲ طرف رقم زده است، اینکه عامل تخریب همه مذاکرات (منظور مذاکرات ناکام است)، منافع بازیگران مخرب در درون آمریکا یا بازیگران مخرب همپیمان آمریکا بوده است. به بیان دیگر شاید مهم‌ترین عنصری که می‌تواند در نقش مخرب یا اخلالگر مذاکرات عمل کند، منافع بازیگران مخرب است.

۱- موافقتنامه الجزایر

توافق الجزایر را می‌توان موفق‌ترین نمونه روابط مبتنی بر مذاکره بین ایران و آمریکا از اول انقلاب تاکنون دانست. توافق الجزایر به قراردادی است که در انتهای مذاکرات بین ایران و آمریکا با وساطت الجزایر انجام شد و در تاریخ ۱۹ ژانویه سال ۱۹۸۱ به امضای طرفین رسید. این توافق بعد از ماجرای سفارت آمریکا و متعاقبا قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین ۲ کشور و بلوکه شدن اموال و دارایی‌های ایران توسط ایالات متحده و شکست آمریکا در عملیات نظامی (پنجه عقاب) علیه ایران به دست آمد. طرف ایرانی مذاکره‌کننده در مذاکرات الجزایر، بهزاد نبوی، معاون اجرایی شهید رجایی بود.

ادامه در صفحه ۸

غافلگیری سوریه برای نقشه‌کش‌ها

یادداشت

سمیرا کریمشاهی

تجاوزات همه‌جانبه و کم‌سابقه رژیم صهیونیستی طی ۶ ماه اخیر به خاک سوریه نشان از محاسبات غلط تمام طرف‌های مخالف حکومت بشار اسد دارد که اکنون از طی کردن مسیر بازسازی و حفظ یکپارچگی سوریه عاجز مانده‌اند. دولت خودخوانده جولانی با تعدد چالش‌ها و شکاف‌های داخلی مواجه است که بدرستی چنین نگرانی‌ای را در او شعله‌ور نگه داشته که هر کدام از این عوامل ممکن است صندلی لغزان قدرت را از زیر پای او بکشد اما این درک صحیح از وضعیت او را به محاسبه غلطی رسانده که برای حفظ قدرت نباید با متجاوز خارجی وارد میدان مبارزه شود. هرچه حاکمان دمشق در برابر اشغالگری و تجاوزات آشکار و بی‌پرده ارتش رژیم به خاک سوریه انفعال و مماشات از خود نشان داده‌اند و عقب نشسته‌اند، اسرائیل گامی به جلو برای دمیدن در آتش‌افروزی در سوریه برداشته است.

حدود ۲ ماه پیش با چراغ سبز آنکارا، میانجی‌گری آذربایجان و برقراری مذاکرات امنیتی - نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی، از میزان حملات این رژیم به خاک سوریه کاسته شد و رژیم بیشتر متمرکز بر مدیریت مناطق اشغال شده جنوبی، همچنین گسترش نفوذ خود در این محدوده به بهانه حمایت از اقلیت دروزی سوری بود. البته این به معنی به صفر رسیدن تجاوزات هوایی نبود اما از هفته گذشته حملات هوایی با موج جدیدی از افزایش همراه بوده است به طوری که در حملات بامداد شنبه، تمام نوار غربی سوریه از جمله حمص، حماه، لاذقیه و دمشق زیر آتش جنگنده‌های اسرائیلی قرار گرفت که در نوع خود جزو سنگین‌ترین عملیات‌های هوایی رژیم علیه خاک سوریه در سال‌های اخیر بوده است. روز قبل از آن، ارتش صهیونیستی نقاطی در نزدیکی کاخ دمشق را هدف قرار داد که توسط کارشناسان پیام هشداری به جولانی تلقی شد. این در حالی است که جولانی در روزهای پیش از آن نه تنها تهدیدی علیه رژیم مطرح نکرده بود، بلکه اعلام کرد آمادگی عادی‌سازی روابط با تل‌آویو را دارد.

■ رویارویی با اسرائیل؛ آنچه ترکیه از آن واهمه دارد

حمایت دولت ترکیه از روی کار آمدن تحریرالشام پس از سقوط نظام اسد در سوریه، با ادعای برگرداندن صلح به سرزمین شام و زدودن وضعیت جنگ‌زده این کشور همراه بود.

ترکیه می‌دانست تا استقرار نظم احتمالی جدید در سوریه، تحرکات بازیگران خارجی از مهم‌ترین چالش‌هایی خواهد بود که دایره نفوذش در سوریه پساسد را تهدید خواهد کرد. ترکیه سعی کرد واکنش حکام عربی بویژه شیوخ جنوب خلیج‌فارس را به سمت خود مدیریت کند تا از تنش جدید بر سر تقسیم کیک قدرت و منفعت در سوریه جلوگیری شود که تا حدودی هم به موفقیت رسید و توانست سطحی از هماهنگی را میان آنها ایجاد کند، هرچند که رقابت هم در جریان باشد. اکنون وضعیت حضور ارتش‌های اشغالگر آمریکا و اسرائیل در خاک سوریه و ایجاد محدودیت برای دامنه کنشگری ترکیه به معضل اصلی دولت اردوغان در سوریه پس از پرونده کردها تبدیل شده است. دولت ترکیه در ابتدای آغاز تجاوزات اسرائیل به خاک سوریه در تلاش بود مساله میدان را در زمین دیپلماسی حل و فصل کند. دولتمردان ترکیه بخوبی می‌دانند نیروهای نظامی تحت حمایت‌شان در سوریه و همچنین قوای تحریرالشام توان و انگیزه کافی برای رودررو شدن با نظامیان صهیونیست را ندارند.

خود آنکارا هم جز برای تامین امنیت مرزی و مبارزه با گروهک‌های کرد، همچنین جایگزین کردن ارتش خود در خلأ حضور محور مقاومت، آمادگی پرداخت هزینه جنگ مستقیم با رژیم را ندارد. موج جدید حملات رژیم که حتی به ادعای رسانه‌های اسرائیلی به رویایی با جنگنده‌های ترکی هم رسیده، نشان از آن دارد توقف پیشروی‌های رژیم با گزینه دیپلماسی فعلا برای دولت اردوغان حاصلی نداشته است. ترکیه همچنین امیدوار است از طریق آمریکا بتواند چشم طمع نتانیاهو به خاک سوریه را بر دارد. فروردین ماه، آنکارا با ارائه یک بسته پیشنهادی به کاخ سفید، حوزه نفوذی برای نظامیان خود و آمریکا ترسیم کرد تا دولت ترامپ را در جریان اهداف خود قرار دهد. به عنوان مثال ترکیه به اطلاع آمریکا رساند قصد دارد پایگاه تی‌فور و شعیرات در حمص و بخش‌هایی از حماه را به حوزه نفوذ خود اضافه کند. با آنکه دولت دوم ترامپ فعلا روابط خود با ترکیه را بر مدار نگاه مثبت تنظیم کرده اما همچنان نقشه راه پرونده سوریه با ابهاماتی آمیخته با انفعال همراه است. درباره بسته پیشنهادی، در نتیجه‌ای عکس آنچه ترکیه نسبت به آن خوش‌بین بود، نه‌تنها آمریکا استقبالی نشان نداد، بلکه در فاصله کم تمام موارد پیشنهادی ترکیه توسط جنگنده‌های اسرائیلی به عنوان پیام هشدار بمباران شد. سران رژیم صهیونیستی اعلام کردند زیر بار استقرار پدافند هوایی توسط ترکیه در خاک سوریه نخواهند رفت، همچنین ترکیه حق پیشروی و افزایش دامنه حضور نظامی در سوریه را ندارد و باید از حضور تحریرالشام در مناطق جنوب غربی سوریه جلوگیری کند. درک این مساله که خواسته‌های رژیم رابطه مستقیمی با تجزیه سوریه، مانع‌تراشی در مسیر استقرار قدرت مرکزی و از سرگیری روند بازسازی این کشور دارد برای ترک‌ها سخت نیست. این یعنی نه تنها سوریه، بلکه اقدامات رژیم عملا امنیت ترکیه و دیگر همسایگان سوریه و در گام بعدی منطقه را تهدید می‌کند اما فعلا سران آنکارا ابتکار کارآمدی برای مهار کم‌هزینه رژیم اسرائیل در دست ندارند. دولت اردوغان با آزمون سختی در مسیر ادعای سوریه آباد و آزاد مواجه شده که قطعا با تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های رژیم نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت.

همزمان با تحولات این روزهای سوریه، نکته قابل تأمل واکنش ایران به اقدامات رژیم و آنچه در خاک سوریه از جانب تمام طرف‌های دخیل می‌گذرد است.

تقریبا هیچ‌یک از بازیگران میدان سوریه در دوران اسد، به اندازه ایران از صحنه کنشگری خود را به کنار نکشیده است. حتی روسیه به عنوان متحد اسد، همچنان پایگاه نظامی خود در شرق مدیترانه را حفظ کرده و اکنون به عنوان شریک اصلی دولت جولانی در مساله تامین سوخت مورد نیاز این کشور مشارکت دارد. کشورهایی مانند امارات و عربستان سعودی که به نوعی بازندگان اصلی جنگ سوریه بودند، با وجود عادی‌سازی روابط با اسد اما اکنون به میدان سوریه بیش از پیش وارد شده‌اند و تکلیف ترکیه و قطر نیز به عنوان حامیان دولت جدید دمشق مشخص است اما خروج ایران از صحنه سوریه به گونه‌ای رقم خورده که گویی پیش از این به عنوان رکن اصلی تحولات سوریه هیچ‌گونه نقش و کنشی نداشته‌ایم. بخشی از آن را می‌توان تحت تاثیر اراده صاحب‌نفوذان جدید سوریه دانست اما بخشی دیگر به ظرفیت‌های نادیده گرفته شده ایران بازمی‌گردد به طوری که گویی اهمیت حیاتی جغرافیای سوریه فراموش شده است.

بخش اعظم دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما در حال حاضر پرونده مهم مذاکره با آمریکا را دنبال می‌کند اما همان‌طور که بارها صاحبنظران تاکید کرده‌اند نباید این مساله باعث غفلت از حوزه‌های دیگر و چه بسا سرنوشت‌ساز منطقه‌ای و بین‌المللی شود. شرق مدیترانه بویژه نقطه کانونی منطقه شامات در نقطه اتصال سوریه - لبنان هرگونه تحولی را در دوره کنونی پشت سر بگذارد، بدون شک سرنوشت دوران گذار به نظم آینده منطقه را در درون خود دارد. در پساسد اگرچه امکان و ظرفیت تاثیرگذاری ایران بر ژئوپلیتیک شرق مدیترانه تضعیف شده اما اگر این موقعیت در ذهن تصمیم‌سازان امری «موقتی» تلقی نشود و به وضعیت «رهاشدگی» برسد، ما را به طور کامل از رکن تاثیرگذار منطقه به بازیگری با وزن ضمیمه‌ای تغییر وضعیت یا به عبارت بهتر تنزل می‌دهد. ایران حتی بدون خاک سوریه باید کنشگر تحولات این کشور باشد. از دیپلماسی، رایزنی و فشار بر کشورهایی مانند ترکیه به نسبت آشفتگی وضعیت سوریه جدید گرفته تا رصد هسته‌های مقاومتی که در گوشه و کنار این کشور علیه مبارزه با رژیم صهیونیستی پا گرفته‌اند. طی سال‌های متمادی مخالفان محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران را متهم به تنش‌آفرینی در خاک سوریه و جلوگیری از پایان وضعیت جنگی و بحران این کشور می‌کردند، اکنون زمان آن رسیده ایران نسبت به محاسبات غلط و تهدیدزای بازیگران سوریه کنونی که مدعی ساختن شام هستند بی‌تفاوت نباشد و از آنها شهامت رویارویی و مبارزه با اسرائیل را به منظور تامین امنیت منطقه طلب و در این مسیر آمادگی همه‌جانبه خود را اعلام کند. همچنین بخشی از تمرکز رایزنی منطقه‌ای ایران می‌تواند با تاکید بر الگوی رفتاری شکست‌خورده جولانی مبنی بر خلع سلاح خودخواسته در برابر رژیم اشغالگر که خروجی‌ای جز تهدیدزایی برای امنیت منطقه ندارد، در قالب هشدار، سران کشورهایی همچون عراق و لبنان را از عاقبت خلع سلاح مقاومت آگاه کند.